

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۲۰۱۰/۱۱/۹

سپتامبر ۱۱ و توطئه های جهانی امپریالسم ۳

حادثه "تروریستی" ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در روش امپریالیستی امپریالسم امریکا به شمار میرود. امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر قیضه را به دور افکند و بیباک تر به تعرض و توسعه جوئی در سطح جهانی پرداخت و کشور های اسلامی آماج اولی امپریالسم گردیدند. به بهانه مبارزه علیه تروریسم، امپریالسم سعی می کند به ثروت طبیعی و بیکران تیل و گاز و سنگ های قیمتی این کشور ها دست یابد و آنرا به غارت ببرد. محققان و تحلیلگران مسایل سیاسی جهان هنوز هم به چگونگی حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر نظرات متفاوتی ابراز میدارند و تحلیل دولت امریکا را به تنهایی نمی پذیرند.

توطئه های نوین امپریالسم از اعلام به اصطلاح "دوکتورین بوش" آغاز شد و تا اکنون ادامه دارد. قربانی اول دوکتورین بوش افغانستان و بعداً عراق بود. امپریالسم به اشغال این دو کشور بسنده نخواهد کرد، بلکه منتظر فرصت است که دست به تجاوز و ماجراجوئی تازه بزند. بعد از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر، امریکای بوش هیچ فرقی بین "کسانی که عمل تروریستی مرتکب می شوند و کسانی که به آنها پناه می دهند." قایل نگردید. بوش حین ایراد بیانیه در کانگرس امریکا به تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱ گفت:

"هر کشور در هر منطقه حالا تصمیم خود را بگیرد. یا شما با ما هستید، یا با تروریست ها" این چنین تحکم غرور آمیز و ساده اندیشی ابلهانه غضب امریکا و کمی تعقل بوش را در مجموع ثابت ساخت. بوش از لحاظ فکری فاقد بینش سیاسی و ابتکار فکری بود. چند تن از محیل ترین محافظه کاران جدید او را مورد استفاده سیاسی خود قرار دادند و از فقدان تعقلش بهره برداری نمودند.

بوش بعداً خطوط کلی دوکتورین خود را بسط و توسعه داد تا زمینه برای هر گونه تجاوز بر سایر کشور ها خصوصاً شرق میانه مهیا گردد و به آن نوع مشروعیت امریکائی دهد. بنا برین دوکتورین بوش بر پنج اصل کلی پایه گذاری شد:

۱. **پیشدستی:** اگر امریکا و یا متحدینش مورد تهدید تروریست ها و یا کشور های تولید کننده اسلحه امحای دسته جمعی قرار گیرند، امریکا باید پیشدستی نموده و تهدید را قبل از وقوع حادثه نابود نماید. این روش برای امریکا امکان تجاوز را بر هر کشوری که خواسته باشد، میدهد. بوش ازین خط مشی امپریالیستی برای هجوم به افغانستان و عراق استفاده نمود و اداره اوباما هم از آن بهره می برد.

۲. **یک جانبه گری:** بر مبنای این قسمت از دوکتورین بوش، امریکا حق دارد که به اقدامات نظامی یک جانبه دست بزند اگر راه های حل چند جانبه قابل پذیرش برای امریکا سراغ نگردد.

۳. **قدرت بی مانند:** بر مبنای این اصل، امریکا باید تفوق نظامی خود را به هر قیمتی ولو که به مداخله نظامی هم منجر شود، نگهدارد و هیچ کشوری را نباید اجازه داد که امریکا را به مبارزه بطلبد.

۴. **تعمیم دموکراسی، آزادی و امنیت در تمام نقاط جهان:** این یکی دیگر از ابزار دوکتورین امپریالیستی بوش است که وسیله تجاوز پی در پی امریکا بر کشور های مورد نظر گردید.

طوریکه از ۴ اصل دوکتورین تجاوزکارانه بوش استنباط می شود، هدف غائی اداره بوش حاکمیت بلامنازع جهانی امریکا بود. به اصطلاح مبارزه علیه تروریسم صرف برای پخش نفوذ امریکا و در نهایت تسلط کامل بر منابع طبیعی کشور های جهان شناخته شد. کشتار و تخریب شهر ها و آثار تاریخی، بیحرمتی به مقدسات سایر کشور ها خصوصاً جوامع اسلامی، زورگویی، صدور مسیحیت و ارسال هیأت های مذهبی در بی فرهنگ ساختن مردم و تحمیل ارزش های امریکائی جزء لایتجزای دوکتورین بوش به شمار میرفت. چون بوش خود در مجموع دانش، تعقل و بینش کافی نداشت، دست راستی های چهار آتش در قالب "محافظه کاران جدید" او را در حلقه خود پیچاندند و ایدئولوژی خود را در وی تزریق کردند. مصیبت هائی را که اداره بوش بر امریکا و جهان وارد کرد، جبران آن برای سالیان متمادی نا ممکن خواهد بود. امریکای بوش هیچگونه اعتنائی به منشور ملل متحد نداشت بلکه در ماورای آن عمل میکرد. امریکا خود از زمره تصویب کنندگان منشور ملل متحد بود، اما غرورش اجازه نمی داد که مانند سایر کشور ها تابع دساتیر حقوقی ملل متحد شود. از نگاه بوش و حواریونش، تأمین منافع امریکا و انهدام "دشمنان" این کشور تقدم اولی دارد. دوکتورین بوش خلاف روحیه بند سوم ماده دوم منشور ملل متحد عمل کرد. این ماده اظهار میدارد:

"همه اعضا مناقشات بین المللی خود را از طریق صلح آمیز فیصله نموده تا صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر مواجه نشود." اینکه هیچ کشوری نباید بر امریکا تفوق بیابد، نماینگر اهداف امپریالیستی امریکای بوش و اوپاما است. دوکتورین بوش فرضیه کلاسیک جنگ عادلانه را که دفاع از خود است از ریشه منهدم نمود و جهان را به سوی وحشیگری های قرن ۲۱ سوق داد. ما وحشیگری دستگاه حاکمه بوش را در تجاوز بر افغانستان و عراق دیدیم و مزه تعمیم دموکراسی و مدنیت امریکا را چشیدیم.

از نقطه نظر حقوق بین الدول، بمباران افغانستان و عراق و تداوم اشغال این دو کشور غیر قانونی بوده است. مارجوری کوهن (Marjorie Cohn) یکی از استادان حقوق بین الدول اظهار داشت که "بمباران افغانستان توسط امریکا و برتانیه غیر قانونی است." به صورت عمومی، تجاوز بر عراق خلاف حقوق بین الدول پذیرفته شده است، اما امریکائیان نمیدانند که تجاوز بر افغانستان و تداوم اشغال این کشور هم مغایر حقوق بین الدول بوده است. اول اینکه، بر حسب دساتیر حقوق بین الدول که در منشور ملل متحد درج یافته، مناقشات بین الدولی باید به شورای امنیت ارجاع شود. صرف شورای امنیت صلاحیت تصویب استفاده از قوه را دارد. به ارتباط تجاوز امریکا به افغانستان، شورای امنیت اجازه استفاده از قوای نظامی را نداده است. پس تجاوز به افغانستان به بهانه مبارزه علیه تروریسم و تأسیس یک نظام غیر مشروع تنها مشروعیت بخشیدن به تجاوز بود و از نگاه پرنسیب های حقوق بین الدول کاملاً غیر قانونی شمرده می شود. دوم اینکه، اگر یک کشور مورد حمله مسلحانه یک کشور دیگر قرار گیرد، کشور اولی حق دارد از خود دفاع نماید و جواب بالمثل بدهد. حادثه تروریستی سپتامبر ۱۱ این شرط را برای امریکا خلق نکرده بود. امریکا مورد تجاوز افغانستان قرار نگرفته و از ۱۹ تن عاملان حادثه تروریستی هیچ یک افغان نبودند که امریکا در صدد انتقام جوئی برآید. پس میتوان گفت که تجاوز بر افغانستان و تداوم اشغال این کشور همراه با تأسیس یک نظام ضد ملی و دست نشانده بر مبنای خواهشات امپریالیستی بنا شده بود، نه مجوزات حقوقی. تجاوز بر افغانستان جزء طرح های جهانی امپریالیسم است که در صورت فقدان مقاومت ملت افغان، دامنه تجاوز به سوی سایر نقاط جهان گسترش خواهد یافت و ملل آزاد یکی پی دیگری در زنجیر غلامی بسته خواهند شد. در جریان تجاوز بر افغانستان، نیرو های ائتلاف شمال تحت رهبری شورای نظاری ها و جمعیتی ها رهنما و راه پاک کن قوای متجاوز بودند. گروه های نابکار ائتلاف شمال لکه ننگ و بد نامی تاریخی را برای ابد با خود حمل خواهند کرد و باعث سرافکندگی اخلاف شان در تاریخ خواهند شد.

بعد از نشستن در اریکه قدرت، اوپاما آن اوپامای دوره مبارزات انتخاباتی نبود. در بیانیه اش در ماه جولای ۲۰۰۸ در برلین، اوپاما روحیه انسانی داشت و جهانی فکر میکرد. اما حین دریافت قبل از وقت جایزه نوبل در اسلو انسان دیگری شد که با تحکم و غرور یک رئیس جمهور آنهم رئیس جمهور امریکا صحبت نمود. صاحبان سرمایه کسی را تعیین نمی کنند که بتواند از اوامر شان سرپیچی کند و راه مستقل خود را بپیماید. دوکتورین بوش با اندکی تغییر خطوط اصلی وزارت دفاع اوپاما را ترسیم می کند. محافظه کاران جدید نوع چینی (Cheney) دست قوی در دستگاه دولتی امریکا دارند و میتوانند به آسانی اعمال نفوذ نموده و نظرات خود را بر دولت تحمیل نمایند. البته اوپاما نظرات خاص خود را هم دارد که در بعضی جهات از بوش متفاوت است. اوپاما به عکس بوش حامی چند جانبه گرانی بوده و معتقد است که "امریکا نمیتواند به تنهایی به اهداف بزرگ برسد." اوپاما

جنگ در افغانستان را تشدید بخشید و وعده داد که شبکه های تروریستی را در افغانستان و پاکستان به هم زده و نابود سازد. عملکرد ضد انسانی امریکا در ۹ سال اخیر عکس آنرا ثابت کرده است. امریکا خود مشوق تروریسم در افغانستان بوده و آرزومندی این را ندارد که این معضله از بین رود زیرا در آن وقت دلیلی برای بودنش باقی نخواهد ماند که بتواند مردم امریکا و جهان را بفریبد. مردم افغانستان حال قویاً معتقد اند که امریکا غرض مجادله علیه تروریسم و انهدام نظام طالبی به افغانستان هجوم نیاورد، بلکه هدف اصلی دسترسی کورپوریشن های امریکائی به ثروت زیرزمینی و عاید ناشی از قاچاق مواد مخدره این کشور بوده است. زمینه های زیادی برای بازداشت بن لادن وجود داشت لکن همه فرصت ها عمداً از دست داده شد که جنگ در افغانستان زود به پایان نرسد. بنابراین حلقه های سیاست خارجی امریکا طرح افپاک (Afpak) را ریختند که هدف از آن آوردن افغانستان و پاکستان زیر یک تیتر عملیاتی بوده است. بدین معنی که نیرو های متجاوز بدون اشکال به کشتار و تخریب به هر دو طرف دیورند فعالیت می کنند و اهداف خود را ضربه می زنند.

تجاوز بر افغانستان و عراق برای تعمیم دموکراسی، حقوق بشر و یا حقوق زن نبود، بلکه فقط برای چپاول ثروت و ذخایر طبیعی این کشور و احداث لوله گاز بود که عطش کورپوریشن های امریکا را فروکش دهد. امپریالیسم برای رسیدن به هدف، انواع تاکتیک ها را به کار برده است: تعمیم فحاشی و مسیحیت، دامن زدن اختلافات قومی، مذهبی و لسانی، تعمیم قاچاق مواد مخدره، تربیه جواسیس در تمام سطوح، خلق میلیشیا های قومی در کشتار یک دیگر و سرانجام نصب یک دولت مزدور که پشیبیا امپریالیسم و استعمار باشد. امپریالیسم همچنان تروریسم و بی امنیتی را ذریعه اعمال خود گسترش میدهد تا ماندگار شدن متجاوزین مشروعیت یابد. درین راه جانفشانی عده ای از دست پروردگان و فروخته شدگان در تبلیغ به نفع امپریالیسم و ادامه اشغال کشور بهترین وسیله تبلیغاتی برای نیرو های متجاوز و طرح های استعماری آنهاست. امریکا افغانستان و عراق را ارادی ترک نمی گوید مگر اینکه با ضربات خرد کننده مبارزه و مقاومت توفنده مردم افغان و عراق مواجه گردد.

عکس های وحشتناک و دلخراشی را که در پائین مشاهده می کنید از سایت گلوبل ریسرچ (Global Research) اقتباس شده و به حامیان تجاوز تقدیم می شود تا وجدان و شرف از دست داده خود را باز یابند و بدانند که امریکائی های متمدن چه ارمغانی برای هم میهنان (ببخشید که هم میهنان گفتم) شان آورده اند. امید که با دیدن این عکس های زننده حد اقل روحیه انسانیت و شرافت در وجدان مزدوران استعمار دوباره احیاء گردد.









